

مربوط بودن ارزش و تغییرات در استانداردهای حسابداری: مروری بر ادبیات پذیرش IFRS



سهام در یک بازار کارا، منعکس کننده‌ای واقعی از عملکرد شرکت‌ها هستند (بهل و همکاران، ۲۰۲۰). صحت عملکرد و موقعیت گزارش شده یک شرکت به استانداردهای حسابداری بستگی دارد. ارقام سود و ارزش دفتری، خلاصه‌ای از اطلاعات مالی موجود در یک شرکت را ارائه می‌دهند

۱. مقدمه

بازارهای سهام راهی را برای مشارکت‌کنندگان ایجاد می‌کند تا سرمایه خود را تأمین کنند و ریسک‌ها را تنوع بخشند. بنابراین، کارایی و نقدینگی بازارهای سهام، شاخص‌های حیاتی توسعه هر اقتصادی هستند (براون، ۲۰۱۱). قیمت‌های



زهرا نظیفی



بهزاد پرویزی



همکاران، ۱۹۹۹؛ اوتا و همکاران، ۲۰۱۷). استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی مجموعه جدیدی از استانداردهای حسابداری جهانی است که توسط چند کشور در سراسر جهان تبلیغ و پذیرفته شده است (انجمن، ۲۰۱۹، IFRS). تفاوت‌ها در استانداردهای حسابداری مانند IFRS باید منعکس‌کننده قیمت‌های سهام باشد و بر تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد. در جایی که استانداردهای حسابداری کیفیت و شفافیت گزارش‌های مالی را بهبود می‌بخشد، ارقام حسابداری به واقعیت نزدیک‌تر و به سرمایه‌گذاران مربوط‌تر هستند، زیرا با این کار اطلاعات بیشتری در قیمت‌های سهام گنجانده می‌شود (داسگوپتا و همکاران، ۲۰۱۰؛ حامید و اشرف، ۲۰۰۹).

بر طبق فرضیه بازار تطبیقی تغییرات در قیمت‌های سهام، قابل پیش‌بینی است و عملکرد بازار سهام را می‌توان با تغییرات رفتار سرمایه‌گذاران و سیاست‌های نهادی توضیح داد (لو، ۲۰۰۴، ترانگ و کوانگ، ۲۰۱۹). تکامل استانداردهای حسابداری یکی از تحولات در سیاست‌های سازمانی است که بر اهمیتی که سرمایه‌گذاران برای ارقام حسابداری قائل هستند یعنی مربوط بودن ارزش) می‌تواند تأثیر بگذارد که این هم بر قیمت‌های سهام تأثیرگذار است.

۲. مرور ادبیات

۱۰۲ - بررسی مفهومی

مفاهیم عمده‌ای که باید بررسی شوند، مربوط بودن ارزش صورت‌های مالی، استانداردهای حسابداری مورد استفاده در تهیه صورت‌های مالی و استانداردهای

گزارشگری مالی بین‌المللی به‌عنوان مجموعه جدیدی از استانداردهای حسابداری که مورد تمرکز اصلی این مطالعه است.

۱۰۱.۲ - مربوط بودن ارزش

مربوط بودن ارزش اصطلاحی است که معمولاً برای اشاره به میزان توجه صورت‌های مالی جهت تصمیمات سرمایه‌گذاری در سهام استفاده می‌شود؛ این همان میزانی است که تغییرات در ارقام حسابداری تغییرات قیمت سهام را توضیح می‌دهد (براون و همکاران، ۱۹۹۹؛ اوتا و همکاران، ۲۰۱۷). بیشتر ادبیات موجود مربوط بودن ارزش را با استفاده از ضریب تعیین مدل رگرسیون، ارزش بازار سهام در برابر سود و ارزش دفتری می‌سنجند (براون و همکاران، ۱۹۹۹؛ کالینز و همکاران، ۱۹۹۷؛ الی و وایمیر - ۱۹۹۹؛ فرانسیس و شیپر - ۱۹۹۹؛ لیو و زاروین - ۱۹۹۹؛ نواز - ۱۹۹۸). مربوط بودن ارزش در این مطالعه را می‌توان به‌عنوان میزان ارتباط بین ارقام صورت‌های مالی و قیمت‌های سهام توصیف کرد. این همان میزانی است که معیارهای عملکرد نقدی و تعهدی (که اغلب در صورت‌های مالی یافت می‌شوند) در معیارهای عملکرد مبتنی بر بازار (که اغلب در تغییرات قیمت سهام ثبت می‌گردند) منعکس می‌شوند.

ارزش بازار سهام شامل دو بخش است؛ ارزش فعلی سود سهام آتی و ریسک آن (لی - ۱۹۹۵). سود سهام و ریسک به ترتیب توابعی از سود و اهرم هستند و این ارقام در ارقام سود و ارزش دفتری موجود در صورت‌های مالی منظور می‌شوند. ارقام ارائه شده برای سود و ارزش دفتری

(اوکافر و همکاران، ۲۰۱۶) که این ارقام در صورت‌های مالی افشاشده و تابع استانداردهای حسابداری مورد استفاده در تهیه آنها هستند. در ادبیات موجود «مربوط بودن ارزش» میزان تغییراتی است که در ارقام حسابداری تغییرات قیمت سهام را توضیح می‌دهد (براون و

(و همچنین سایر اقلام صورت‌های مالی) وابسته به استانداردهای حسابداری در تهیه گزارش‌های مالی، مورد استفاده قرار می‌گیرند (اینهم‌زن ۲۰۲۲).

۱.۲- ۲- استانداردهای حسابداری

استانداردهای حسابداری مجموعه قوانینی هستند که بر شناخت، ارائه و افشای انواع مختلف معاملات حسابداری حاکم هستند (بنستون و همکاران، ۲۰۰۶) و همچنین استانداردهای مختلف حسابداری نیازمند الزامات افشای متفاوتی هستند (دینگ و همکاران، ۲۰۰۷) که این الزامات افشا می‌توانند بر حسب انواع و چهارچوب‌های صورت‌های مالی و همچنین شرایط شناسایی اقلام مجزا در صورت‌های مالی باشند. اقلام صورت‌های مالی تحت چند استاندارد حسابداری که از جنبه‌های زیر متفاوت هستند: شناسایی ارزش دارایی (بهای تمام شده، ارزش بازار، ارزش منصفانه، ارزش فروش خالص)، اجزای بهای دارایی‌ها (هزینه‌های مالی، هزینه‌های حمل و نقل، نوسازی، تعمیرات اساسی)، تخصیص استهلاک (کاهش بهای تمام

شده دارایی‌ها، ذخیره، دارایی‌های دیگر)، نحوه برخورد با درآمد حاصل از فعالیت‌های عادی و غیرعادی، زمان شناسایی درآمد (زمان توافق، زمان پایان معامله، زمان پرداخت) و غیره.

استانداردهای حسابداری را به‌طور کلی می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از هنجارها، مفاهیم، قراردادهای و سیاست‌هایی توصیف کرد که تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی را در هدف ارائه یک دید درست و منصفانه از وضعیت مالی و عملکرد سازمان راهنمایی می‌کند. تعاریف متفاوتی که استانداردهای مختلف برای هر یک از اقلام صورت‌های مالی ارائه می‌دهند، منعکس‌کننده الزامات شناسایی متفاوت برای چنین اقلامی تحت آن استانداردها هستند. چند استاندارد حسابداری (مثل کاهش ارزش) هم مفاهیم جدیدی که در سایر استانداردها وجود ندارند و بر ارقام نهایی تأثیر گذارند را معرفی می‌کنند. همه این تفاوت‌ها می‌توانند منجر به تغییر ارقام حسابداری (دارایی و سود) در هنگام تهیه با استفاده از استانداردهای مختلف گزارشگری مالی شوند. IFRS

که توجه محققان و متخصصان را به خود جلب کرده است یکی از جدیدترین مجموعه استانداردهای حسابداری است. استانداردهای IFRS در مقایسه با اکثر استانداردهای ملی، اقلام صورت‌های مالی را از ابعاد گسترده‌تری ارزش‌گذاری می‌کنند (آچیم و تیرون تودور، ۲۰۱۸).

۳.۱.۲- تاریخچه پیدایش IFRS

اصطلاح IFRS اغلب به‌طور گسترده برای اشاره به استانداردهای بین‌المللی حسابداری IAS و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی IFRS استفاده می‌شود. IAS ها اولین بار در سال ۱۹۷۳ تدوین شدند. استانداردهای تدوین‌شده بعدی از اول آوریل ۲۰۰۱، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی IFRS نامیده شدند. IAS ها توسط کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی IASC تهیه شدند ولی IFRS های جدیدتر توسط هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی IASB تهیه شده‌اند. کمیته‌ای که مسئولیت تفسیر IAS را بر عهده داشت کمیته تفسیر استاندارد SIC بود، درحالی‌که سازمان مسئول تفسیر استانداردهای IFRS کمیته تفسیر IFRS ها، IFRIC است.

حدود ۴۱ استاندارد (IAS1 تا IAS41) قبل از پیدایش IASB در سال ۲۰۰۱ صادر شد (بنیاد ۲۰۱۹-IFRS). باین‌حال، برخی از IAS ها توسط سایرین جایگزین شده‌اند؛ به‌طوری‌که تنها ۲۴ استاندارد از IAS41 تا نوامبر ۲۰۲۱ هنوز به‌طور کامل فعال هستند. IAS11 (حسابداری قراردادهای ساخت و ساز) جایگزین IFRS15 (درآمد حاصل از قرارداد با مشتریان) شده و IAS15 (اطلاعات منعکس‌کننده اثرات تغییر قیمت‌ها) به‌طور کامل و بدون جایگزین برداشته شده است.





IASB، پس از جایگزینی IFRS17، IASB، IFRS1 (تا IFRS17) را منتشر کرده است. با این حال، IFRS4 توسط IFRS17 جایگزین شده است، به طوری که تنها IFRS16 به طور کامل تا نوامبر ۲۰۲۱ عملیاتی شده است. این امر به مجموع حدود ۴۰ استاندارد کاملاً عملیاتی می‌رسد که تاکنون توسط بنیاد IFRS برای بهبود کیفیت و قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در سراسر مرزها صادر شدند.

چندین کشور هم این استانداردهای جدید را پذیرفته‌اند. حدود ۱۶۶ کشور IFRS را در سراسر جهان پذیرفته‌اند (بنیاد، IFRS ۲۰۱۹). در همین حال، از ۵۴ کشور آفریقایی، حدود ۴۵ کشور IFRS را به طور کامل یا جزئی، چه به عنوان یک استاندارد مجاز یا به عنوان یک استاندارد اجباری برای شرکت‌های فهرست شده و نهادهای دارای منافع عمومی پذیرفته‌اند (افوبی، ۲۰۱۶). از ۴۵ کشور، تنها ۳۲ کشور IFRS را به عنوان یک الزام اجباری پذیرفته‌اند. ادعاهایی هم مبنی بر این وجود دارد که پذیرش IFRS توسط کشورهای مختلف در سراسر جهان مزایای متعددی را به همراه داشته است که این مزایا اغلب پیامدهای بهبود شفافیت و مقایسه گزارشگری مالی هستند (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ بال، ۲۰۱۶؛ کوریگ و همکاران، ۲۰۰۷؛ دسک و همکاران، ۲۰۰۸).

۴.۱.۲ - پذیرش IFRS و مربوط بودن ارزش

شفافیت، اغلب به عنوان شاخص کارایی مورد استفاده قرار گرفته است (بال، ۲۰۱۶؛ اویگی و همکاران، ۲۰۱۷؛ واتانابه و همکاران، ۲۰۱۹). ارزش‌های مبتنی بر IFRS تمایل به داشتن محتوای اطلاعاتی بیشتری را دارند. افزایش شفافیت به دلیل این واقعیت

است که افزایش الزامات افشا و نزدیکی به واقعیت ارقام حسابداری گزارش شده بر اساس IFRS، تصویر واقعی تری از عملکرد شرکت را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد (حمید و اشرف، ۲۰۰۹). چندین جنبه اطلاعاتی در مورد دارایی‌ها، بدهی‌ها، درآمدها و هزینه‌ها قبل از ارزشگذاری چنین اقلامی در نظر گرفته می‌شوند و بنابراین ارزش‌ها اطلاعات بیشتری نسبت به استانداردهای ملی دارند. در مواردی که ارقام حسابداری شفاف‌تر هستند، سرمایه‌گذاران تمایل دارند که این ارقام را در تصمیم‌گیری در مورد ارزش شرکت در نظر بگیرند. افزایش الزامات افشای IFRS باعث می‌شود که اطلاعات بیشتری در دسترس عموم قرار گیرد. از آنجایی که سرمایه‌گذاران برای چنین اطلاعاتی ارزش قائل هستند و آنها را در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود لحاظ می‌کنند، این اطلاعات در قیمت سهام هم منعکس می‌شوند (دینگ و همکاران، ۲۰۰۷).

بررسی کرده‌اند. ما در این بخش، ادبیات تجربی موجود در مورد روندهای مربوط به ارزش و اثر تغییرات در استانداردهای حسابداری به شکل عمومی (و استانداردهای IFRS به شکل خاص) را بر مبنای بودن ارزش ارقام صورت‌های مالی بررسی می‌کنیم. مطابق با گفته‌های اوگورمن و همکاران (۲۰۱۳) مرور سیستماتیکی با هدف استخراج و ترسیم یافته‌های مختلف تحقیقاتی و همچنین شناسایی الگوهایی که می‌تواند به برخی از سؤالات مرتبط پاسخ دهد یا زمینه‌هایی را برای تحقیقات بیشتر پیشنهاد دهد، انجام شد.

۱.۳ جستجوی مقاله و استراتژی انتخاب

اگرچه مطالعات متعددی تغییرات مربوط به ارزش ارقام صورت‌های مالی را بررسی کرده‌اند ولی معیارهای انتخاب خاصی نیز برای هدایت مرور ادبیات به سمت اهداف تحقیقی این مطالعه اعمال شد. دو معیار این انتخاب شامل فرضیه در حال آزمایش و کیفیت مجله بودند. توجه معیارهای فوق شامل این واقعیت است که ادبیات بررسی شده برای مرتبط بودن با مسئله تحقیق ما باید به موضوع رابطه بین استانداردهای حسابداری (عمدتاً IFRS) و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری هم پیروا باشد. مجلات هم باید دارای رتبه‌بندی باکیفیت بالایی بوده و به‌ویژه توسط SCO- و PUS و انجمن منشوری مدارس بازرگانی رتبه‌بندی شده باشند، زیرا چنین مجلات دارای رتبه برتر اغلب فرآیندهای بررسی دقیق‌تری را پشت سر می‌گذارند.

با توجه به این احتمال که ماهیت ارقام حسابداری گزارش شده می‌تواند بر مربوط بودن ارزش صورت‌های مالی بر



۲.۲ چهارچوب نظری

می‌توان با تغییر در رفتار سرمایه‌گذاران و استانداردهای سازمانی توضیح داد (ترن و لیرویک، ۲۰۱۹). این رفتار سرمایه‌گذاران و استانداردهای سازمانی به گونه‌ای تغییر می‌کنند که شبیه به انتخاب‌های طبیعی است. کلید بقای بازار سهام هم تکامل و نوآوری در میان فعالان و مؤسسات بازار است.

تغییرات استانداردهای حسابداری یکی از نوآوری‌هایی است که می‌تواند بر مربوط بودن ارزش ارقام صورت‌های مالی تأثیر بگذارد و این امر نیز در پویایی قیمت سهام منعکس می‌شود. اطلاعات حسابداری دارای کیفیت و مربوط بودن ارزش در نظر گرفته می‌شوند که وقتی منتشر می‌شوند می‌توانند نوسانات قیمت سهام را به گونه‌ای ایجاد کنند که واقعیت را منعکس نمایند (اوه و سایرین، ۲۰۱۷، سووارنو و واتامی، ۲۰۱۰).

۳ مواد و روش‌ها

چندین مطالعه تغییرات مربوط بودن ارزش ارقام صورت‌های مالی را در طول زمان

مفروضات در پس تئوری فرضیه بازار کارا به این دلیل مورد انتقاد قرار گرفته‌اند که یک بازار کاملاً کارا عملاً غیرممکن است و به اصطلاح «ناهنجاری‌ها» به قدری رخ می‌دهند که به‌عنوان ناهنجاری‌های صرف بازار نادیده گرفته می‌شوند (هیرماث و کوماری، ۲۰۱۴؛ لو، ۲۰۰۴). همچنین، مؤلفه ریسک قیمت سهام را می‌توان به‌طور منطقی پیش‌بینی کرد، بنابراین فرض تصادفی بودن بازده‌ها هم زیر سؤال می‌رود. این انتقادات باعث ایجاد فرضیه بازار تطبیقی (AMH) شد. تئوری AMH نشان می‌دهد که پویایی بازارهای سرمایه تابعی از رقابت و تحول رفتار، استراتژی‌ها و سیاست‌های شرکت‌کنندگان و نهادهای بازار است. این تئوری، رفتار بازار سهام را به اصول تکاملی مرتبط می‌سازد و بیانگر این است که قیمت سهام منعکس کننده اطلاعاتی است که از شرایط محیطی، فعالان بازار و مؤسسات حاصل می‌شود. فرصت‌های اختیاری در دسترس هستند و بازده سهام را

طبق فرضیه بازار تطبیقی تأثیر بگذارد، ما برخی از مطالعاتی را انتخاب کردیم که تغییرات مربوط بودن ارزش را پس از پذیرش IFRS آزمایش کرده بودند. برخی از این آثار پیشگام در زمینه مربوط بودن ارزش و استانداردهای حسابداری چهارچوبی روش شناختی را برای ارزیابی مربوط بودن ارزش ارائه کرده‌اند. آنها تغییرات مربوط بودن ارزش را با مقایسه R2 در مدل قیمت-سود و مدل‌های حسابداری مختلف ارزیابی کرده‌اند (براون و همکاران، ۱۹۹۹؛ کالینز و همکاران، ۱۹۹۷؛ الی و وایمیر، ۱۹۹۹؛ فرانسیس و شیپر، ۱۹۹۹؛ لو و زاروین، ۱۹۹۹؛ نواز، ۱۹۹۸). این روش برای اولین بار توسط اولسن (۱۹۹۵) ارائه شد و غالباً به‌عنوان مدل اولسن هم شناخته می‌شود. همچنین شایان ذکر است که اکثر این آثار پیشگام در ایالات متحده انجام شده (ایالات متحده تا به امروز IFRS را اتخاذ نکرده است) و کاهش در مربوط بودن ارزش ارقام حسابداری در چندین مدل حسابداری را کشف کرده‌اند. برای دستیابی به اهداف پژوهشی این مقاله، برخی از مقالات در مجلات رتبه بالا که به‌طور مستقیم به تأثیر پذیرش IFRS و مربوط بودن ارزش داده‌های حسابداری می‌پردازند، انتخاب شدند (عبدالخالق و همکاران، ۱۹۹۹؛ آوونکی، ۲۰۱۸؛ بارث و همکاران، ۲۰۰۸؛ چوآ و همکاران، ۲۰۱۲؛ کلارکسون و همکاران، ۲۰۱۱؛ دوبیجا و کلیمزاک، ۲۰۱۰؛ گارائینا و کورمیلتنسوا، ۲۰۱۳؛ هورتن و همکاران، ۲۰۱۳؛ اوتا و همکاران، ۲۰۱۷).

این مقالات منتخبی از جدیدترین‌ها بودند، زیرا باید زمان کافی پس از پذیرش IFRS را به منظور ارائه داده‌های قابل توجه پس از پذیرش IFRS می‌داشتند و اکثر این آثار

از روشی مشابه با آن مطالعات پیشگام پیروی می‌کنند.

۲.۳ بررسی ادبیات مربوط بودن ارزش و پذیرش IFRS

چندین مطالعه تغییرات مربوط بودن ارزش را در کشورهایی که استانداردهای IFRS (و سپس IASها) را پذیرفته‌اند، بررسی کرده‌اند؛ آنها موفق شدند که تغییرات مربوط بودن ارزش را با تغییرات کیفیت غیرحسابداری ناشی از پذیرش IFRS مرتبط سازند.

یکی از اولین مطالعات، اثر عبدالخالق و همکارانش (۱۹۹۹) بود؛ آنها سعی کردند که محیط اطلاعاتی دو دسته از سهامی که در بازارهای سهام چین به فروش می‌رسند را بررسی کنند. سهام گروه الف فقط برای افراد محلی بود و صادرکنندگان آن از IFRS تبعیت نمی‌کردند، درحالی‌که سهام

گروه ب فقط با خارجی‌ها معامله می‌شد و صادرکنندگان آن از IAS/IFRS پیروی می‌کردند. آنها از یک طرح تحقیقاتی طولی استفاده کردند و داده‌های پنلی ثانویه را در مورد سود و بازده (روزانه و هفتگی) از بازارهای سهام مختلف در چین برای سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ جمع‌آوری کردند. آنها از تحلیل مطالعه رویدادی برای تخمین تأثیر پذیرش IAS/IFRS بر مربوط بودن ارزش با سهام گروه الف و ب به ترتیب به‌عنوان گروه کنترل و آزمون استفاده کردند. آنها دریافتند که تغییرات در قیمت سهام برای شرکت‌هایی که سهام گروه ب را می‌فروشند با سود حسابداری افشا شده مبتنی بر IAS در سال ۱۹۹۴ همبستگی قوی ندارد اما در سال ۱۹۹۵ این دو، همبستگی داشتند. از سوی دیگر، تغییرات در قیمت سهام برای شرکت‌های فروش سهام گروه



الف به شدت با سود حسابداری مبتنی بر استانداردهای داخلی افشا شده در سال ۱۹۹۴ همبستگی داشت اما با سال ۱۹۹۵ همبستگی نداشتند. این نتایج نشان می‌دهد که ارقام حسابداری گزارش شده تحت اصول حسابداری عمومی پذیرفته شده چینی (GAAP) بیشتر به بازده مربوط است تا ارقام حسابداری گزارش شده تحت IAS.

مطالعات جدیدتر، تأثیر پذیرش IFRS بر کیفیت گزارشگری مالی را ارزیابی کرده‌اند؛ مثلاً بارث و سایرین (۲۰۰۸) مطالعه‌ای را

بر روی IFRS و کیفیت حسابداری که با افزایش مربوط بودن ارزش، به‌موقع بودن شناسایی زیان و کاهش مدیریت سود اندازه‌گیری می‌شود، انجام دادند. آنها داده‌های ثانویه را از پایگاه داده دیتا استریم و لیست ورلداسکوپ از پذیرندگان IFRS برای قیمت‌های سهام، سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم جمع‌آوری کردند. آنها از متغیرهای کنترلی مانند اندازه شرکت، رشد، اهرم، جریان نقدی حاصل از عملیات، کیفیت حسابرسی، وضعیت فهرست و تعداد سهام نزدیک

هم استفاده کردند. این نمونه شامل ۳۲۷ شرکت مستقر در ۲۱ کشور مختلف بود که IFRS را در بین سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۳ پذیرفته بودند (۱۸۹۶ مشاهده). آنها از تحلیل رگرسیون هم استفاده کردند. آنها دریافته‌اند که شرکت‌هایی که IFRS را پذیرفته‌اند، مدیریت سود کمتر (واریانس بیشتر تغییرات سود و همبستگی منفی کمتر بین جریان نقدی و اقلام تعهدی)، شناسایی به‌موقع‌تر زیان (وقوع بیشتر زیان‌های بزرگ) و مربوط بودن ارزش دفتری و سود بیشتر با قیمت سهام را نسبت به غیرپذیرندگان تجربه کرده‌اند. ایتزیدیس (۲۰۱۰) نیز یک مطالعه تطبیقی را در مورد مزایای پذیرش IFRS نسبت به GAAP انگلستان انجام داد. هدف آن هم این بود که مشخص شود که آیا پذیرش IFRS تأثیر مشابهی با آنچه که در مطالعه توسط بارث و همکاران (۲۰۰۸) کشف شد داشته است یا خیر. این مطالعه یک مدل طولی را اتخاذ کرد و داده‌های ۲۴۱ شرکت فهرست شده در بورس اوراق بهادار لندن برای سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ (به استثنای بانک‌ها، بیمه‌ها، شرکت‌های بازنشستگی و کارگزاری) هم برای آن جمع‌آوری شد. داده‌های جمع‌آوری شده شامل قیمت‌های سهام، ارزش‌های دفتری و سود هر سهم، جریان نقد عملیاتی، سرمایه بازار، حاشیه سود عملیاتی، کل بدهی‌ها و صندوق سهامداران کل بود. سودآوری شرکت، اندازه، رشد، اهرم و سرمایه‌گذاری به‌عنوان متغیرهای کنترل استفاده شدند. این مطالعه از تغییرات سود خالص و ارزش دفتری ناشی از پذیرش IFRSها (سود خالص و ارزش دفتری ۲۰۰۴ که به IFRS منهای سود خالص



GAAP اصلی و ارزش‌های دفتری برای سال ۲۰۰۴ تبدیل شد) برای تخمین اثر پذیرش IFRS استفاده کرد. این نویسنده از همبستگی پیرسون، رگرسیون لجستیک و رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده کرد. نتایج مدیریت سود و شناسایی به‌موقع زیان نشان داد که تغییرات در سود در مقایسه با جریان‌های نقدی تحت (IFRS ۲۰۰۵) پرنوسان‌تر (کم هموارشده) بود. همچنین، تحت IFRS، اقلام تعهدی اختیاری همبستگی مثبتی با جریان‌های نقدی داشتند، درحالی‌که آنها همبستگی منفی را با هم تحت GAAP داشتند. همچنین مشخص شد که پذیرش IFRS (متغیر ساختگی ۰ برای دوره قبل از پذیرش و ۱ برای دوره پس از پذیرش) رابطه منفی را با اقلام تعهدی اختیاری و سود مثبت کم دارد. برای مربوط بودن ارزش، مدل مبتنی بر IFRS دارای R2 بالاتر و ضرایب مثبت معنادارتری برای هر دوی سود خالص و ارزش دفتری در مقایسه با مدل مبتنی بر GAAP بود. در مدل سود بازده سهام، مدل IFRS نیز دارای R2 و ضریب مثبت بالاتری نسبت به مدل GAAP انگلستان بود. این ثابت کرد که سود صورت‌های مالی واکنش مثبتی به اخبار خوب (در قالب بازده مثبت) و اخبار بد (در قالب بازده منفی) نشان می‌داد. در نهایت، متغیرهای اثر پذیرش IFRS تأثیر مثبت و معناداری بر بازده سهام داشتند. به‌طور کلی، این یافته‌ها مشابه بارت و همکاران (۲۰۰۸) بودند. آنها همچنین تأیید کردند که دستکاری کمتر سود و عدم تقارن اطلاعاتی منجر به افشای بیشتر و کیفیت بالاتر اطلاعات حسابداری می‌شود و می‌تواند به سرمایه‌گذاران در

تصمیم‌گیری بی‌طرفانه کمک کند. کلارکسون و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه خود بر شرکت‌ها در کشورهای قانون عرفی (محلی) یا کشورهای دارای قوانین کد، تمرکز کردند. آنها همچنین از یک طراحی طولی (برای سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵) استفاده کردند و داده‌های مربوط به قیمت سهام، ارزش دفتری و سود هر سهم را از دیتاستریم و ورداسکوپ جمع‌آوری کردند. جامعه این مطالعه هم شامل شرکت‌هایی در استرالیا و اروپا برای دوره ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ بود که داده‌های مربوط به GAAP و ارقام حسابداری مجدد IFRS را در دسترس داشتند. نمونه متشکل از ۳۴۸۸ شرکت از ۱۴ کشور اتحادیه اروپا و استرالیا (۱۲ کشور قانون کد و ۳ کشور قانون مشترک) بود که IFRS را در سال ۲۰۰۵ پذیرفته بودند. این مطالعه مدل قیمت اولسن را با استفاده از حداقل مربعات معمولی، حداقل مربعات وزنی و مدل محصول (قیمت سهم در برابر EPS و BVPS) به کار برد. یک عبارت حاصلضرب برداری (EPS × BVPS) در مدل قیمت خطی در EPS و BVPS برای کنترل موارد غیرخطی گنجانده شد. پس از گنجانیدن عبارت حاصلضرب برداری، افزایشی در قابلیت مقایسه مشاهده شد اما هیچ تغییری در ارتباط قیمت برای هر دو گروه کشورها مشاهده نشد. ضریب عبارت حاصلضرب برداری منفی و معنی دار بود. خانقا (۲۰۱۱) یک مطالعه تطبیقی را در مورد مربوط بودن ارزش در امارات قبل و بعد از اجرای IFRS انجام داد. او از یک طرح طولی استفاده کرد و هر دو رویکرد رگرسیون قیمت و بازده پورتفولیو هم در آن اعمال شد. برای تحلیل رگرسیون، داده‌هایی (۱۳۶ مشاهده) برای ۱۷ شرکت

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ابوظبی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ جمع‌آوری شد. برای رویکرد بازده پورتفولیو، داده‌ها برای ۱۷ شرکت در طی ۷ سال (۱۱۹ مشاهده) جمع‌آوری شد. داده‌های پانل ثانویه برای قیمت و بازده سهام، ارزش دفتری سهام، سود هر سهم و جریان نقدی هر سهم جمع‌آوری شدند. این داده‌ها از پایگاه داده گلف بیس، بلومبرگ و دیتا استریم گرفته شد. نتایج با استفاده از هر دو روش (رویکرد رگرسیون و پورتفولیو) نشان داد که مربوط بودن ارزش دفتری و سود پس از IFRS کاهش یافته است. باین‌حال، نتایج مبتنی بر رویکرد پورتفولیو افزایش در مربوط بودن ارزش را برای ارقام جریان‌های نقدی پس از IFRS نشان داد. چوآ و همکاران (۲۰۱۲) نیز مطالعه‌ای مشابه بارت و همکاران (۲۰۰۸) انجام دادند. یک طرح طولی در آن استفاده شد و داده‌ها برای ۱۷۲ شرکتی که در بورس اوراق بهادار استرالیا از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ ذکر شده بودند، جمع‌آوری شد که منجر به ۱۳۷۶ مشاهده سال-شرکت شد. داده‌های پانل ثانویه در مورد قیمت سهام (۳ ماه پس از پایان سال مالی)، ارزش دفتری سهام و سود هر سهم هم جمع‌آوری شد. اندازه شرکت، رشد، اهرم، جریان نقدی حاصل از عملیات، کیفیت حسابرسی، وضعیت فهرست، گروه صنعتی و گردش دارایی به‌عنوان متغیرهای کنترل استفاده شدند. داده‌ها از پایگاه داده‌های Connect4، ورداسکوپ و تامسون وان به دست آمد. آنها از همبستگی رتبه و تحلیل رگرسیون اسپیرمن هم استفاده کردند. این نتایج مشابه نتایج بارت و همکاران (۲۰۰۸) و ایتزیدیس (۲۰۱۰) بود.

گارانینا و کورمیتسوا (۲۰۱۳) هم مطالعه‌ای را در مورد تأثیر پذیرش IFRS در روسیه انجام دادند. آنها این کار را با آزمایش تفاوت‌های معنادار بین مربوط بودن ارزش تحت استاندارد حسابداری روسیه و مربوط بودن ارزش تحت دوره IFRS انجام دادند. این جمعیت شامل شرکت‌های دولتی روسیه بود که به‌طور داوطلبانه IFRS را به مدت حداقل ۲ سال اجرا کرده بودند. این نمونه‌ای از ۶۷ شرکت دولتی در روسیه بود که گزارش داده بودند که از هر دوی IFRS و RAS برای چهار سال متوالی (از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹) استفاده کرده‌اند. داده‌ها در مورد قیمت‌های سهام تعدیل شده با ناکارآمدی برای ۶ ماه پس از پایان سال مالی، ارزش‌های دفتری و سود هر سهم جمع‌آوری شد. آنها متغیرها را با تفاوت بین ارزش دفتری هر سهم و سود هر سهم کاهش دادند تا همخطی بودن آنها را کاهش دهند. داده‌ها با استفاده از یک آزمون پارامتری مقایسه ارزش بازار به دفتری و مدل رگرسیون قیمت (مقایسه R2 تعدیل شده با آزمون کرامر تفاوت معنادار) تحلیل شد. این نتایج نشان داد که پس از پذیرش IFRS مربوط بودن ارزش گزارش‌های مالی با سرمایه‌گذاران اطلاعات صورت‌های مالی افزایش نمی‌یابد. هورتون و همکاران (۲۰۱۳) مطالعه خود را بر روی کشورهای مختلفی در پایگاه داده سیستم تخمین کارگزاران نهادی (I/B/E/S) انجام دادند. آنها این فرضیه را آزمایش کردند که پذیرش اجباری IFRS مزایای قابل مقایسه بودن و کیفیت اطلاعات را با مقایسه دقت پیش‌بینی سود تحلیلگر بین شرکت‌های پذیرنده اجباری IFRS،

شرکت‌های پذیرنده داوطلبانه IFRS و شرکت‌های غیرپذیرنده ارائه می‌کند. یک طرح طولی اعمال شد و داده‌ها برای ۸۱۲۴ فهرست از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ جمع‌آوری شد. داده‌های پانل ثانویه در مورد سود (بر اساس IFRS و GAAP محلی) و پیش‌بینی تحلیلگران از این درآمدها برای دوره نمونه جمع‌آوری شد. دلیل این مطالعه هم این بود که اگر IFRS به مزایای مقایسه و کیفیت اطلاعات منجر شده باشد، خطاهای پیش‌بینی تحلیلگر هم پس از پذیرش اجباری IFRS باید کاهش یابد. این نویسندگان از تحلیل رگرسیون برای آزمون این فرضیه استفاده کردند. نتایج نشان داد که خطاهای پیش‌بینی برای شرکت‌هایی که به‌طور اجباری IFRS را در مقایسه با خطاهای پیش‌بینی سایر شرکت‌ها اتخاذ کرده بودند، کاهش یافته است. این نویسندگان متوجه کاهش خطاهای پیش‌بینی برای پذیرندگان داوطلبانه IFRS نیز شدند اما این اثر در مقایسه با پذیرندگان اجباری کمتر بود. مطالعه اوکافر و همکاران (۲۰۱۶) در کانادا انجام شد. چهارچوب نظری مانند این بر تئوری بازار کارا و همچنین سایر تئوری‌های افشا استوار بود. یک طرح طولی متشکل از مجموعه داده‌های پنبلی از ۶۴۶ شرکت فهرست شده از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ استفاده کرد. داده‌های پانلی ثانویه در مورد قیمت و بازده سهام، سطح و تغییرات ارزش دفتری سهام، سود هر سهم و جریان نقدی هر سهم از آرشیو داده‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تورنتو و پایگاه داده بلومبرگ جمع‌آوری شد. اندازه شرکت،

زبان، طبقه بندی صنعت و اهرم هم به‌عنوان متغیرهای کنترل استفاده شدند. در این پژوهش از مدل رگرسیون قیمت اولسن و مدل اصلاح شده بالاچاندرا و مهنرم (مدل B&M) نیز استفاده شد. مدل B&M قیمت سهم و بازده را در برابر BVPS و هر دوی BVPS و EPS برای ارتباط بیشتر رگرسیون (کاهش) می‌دهد (چون سود تغییر در ارزش دفتری در طی یک دوره است). این نتایج، افزایش R2 را از ۵۵٪ به ۹۷٪ برای مدل اولسن و از ۵۷٪ به ۸۴٪ برای مدل B&M برای شرکت‌های پذیرنده نشان داد ولی هیچ پیشرفت مشابهی برای شرکت‌های غیر پذیرنده وجود نداشت. مقالات کمی در مورد پذیرش IFRS و وضعیت مربوط بودن ارزش در بازارهای آفریقا نیز بررسی شد. اوتا و همکاران (۲۰۱۷) مطالعه‌ای در مورد اجرای IFRS مربوط بودن ارزش در شرق آفریقا انجام دادند. یک طرح طولی استفاده شد و داده‌ها برای شرکت‌های فهرست‌شده در بورس اوراق بهادار نایروبی (NSE) برای دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ (پنج سال قبل از بازبینی IFRS و پنج سال پس از بازبینی IFRS) با داده‌های موجود جمع‌آوری شد. پنجاه و دو شرکت (۵۲۰ مشاهده) انتخاب شدند و چهار شرکت در اوگاندا، تانزانیا و رواندا فهرست شدند. آنها از همان شرکت‌ها قبل و بعد از اجرای IFRS استفاده کردند تا هر شرکت به‌عنوان کنترل خود برای سوگیری تغییر نمونه عمل کند. آنها همچنین یک حاصلضرب برداری از سود و ارزش دفتری را برای کنترل غیرخطی بودن درج کردند. آنها از مدل رگرسیون قیمت اولسن (قیمت سهم در برابر EPS



R2 و پیش بینی متوسط میانگین تحلیل کرد. با استفاده از مقایسه R2، این مطالعه کاهش مربوط بودن ارزش را در تحت GAAP و افزایشی را تحت IFRS یافت. به طور کلی، میانگین مربوط بودن در IFRS تا ۴/۲ درصد کمتر بود. با این حال، با استفاده از پیش بینی متوسط میانگین، GAAP و IFRS به ترتیب دارای امتیاز ۹۴/۵۱ و ۰۵/۱۱۱ بودند (سرمایه گذاران امتیاز بالاتری برای درآمدهای IFRS قائل می شدند). در نهایت، ادوملام و همکاران (۲۰۱۹) نیز مطالعه ای را در مورد مربوط بودن ارزش در نیجریه انجام دادند. آنها همچنین یک طراحی طولی را به کار بردند و داده ها را برای ۱۰۱ شرکت فهرست شده از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ (۱۲۱۲ مشاهده سال - شرکت) جمع آوری کردند. این نمونه فقط

سهام، به اطلاعات صورت های مالی وابسته هستند یا به چشم انداز آینده شرکت ها اهمیت می دهند یا خیر. نویسندگان از یک طرح طولی استفاده کرد و داده ها را برای ۵۷ شرکت تولیدی فهرست شده در بورس اوراق بهادار نیجریه برای دوره های ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ (۳ سال قبل از IFRS و ۲ سال پس از اجرای IFRS) جمع آوری کرد. داده ها از گزارش های سالانه و بورس اوراق بهادار نیجریه ۲۰۱۲/۲۰۱۳ جمع آوری شد. داده های پانلی ثانویه شامل سود خالص، ارزش دفتری سهام و قیمت سهام برای ۶ ماه پس از پایان سال مالی شرکت ها بود. این مطالعه داده ها را با استفاده از مدل رگرسیون قیمت بر روی سود و ارزش دفتری سهام با استفاده از مقایسه

و اثرات تصادفی GLS در تحلیل داده ها استفاده کردند. نتایج حاکی از رابطه مثبت و معنادار قیمت سهام با ارزش دفتری و سود و همچنین افزایش R2 در دوره پس از اجرای IFRS بود که نشان دهنده مربوط بودن ارزش بالاتر آنها هم هست. اووکنی (۲۰۱۸) به بحث مربوط بودن ارزش در آفریقا نیز کمک کرد. این مطالعه فرضیات اطلاعات صورت های مالی را که همه متغیرهای حوزه را برای پیش بینی ارزش بازار ارائه می کرد، آزمایش کرد. سرمایه گذاران تمایل دارند که هم موقعیت مالی و هم چشم انداز شرکت ها را در هنگام تصمیم گیری برای سرمایه گذاری در نظر بگیرند. این مطالعه بررسی می کند که آیا شرکت کنندگان در بازار هنگام تصمیم گیری در مورد سرمایه گذاری در

ایالات متحده است (الی و وایمیر ، ۱۹۹۹). کیفیت گزارشگری مالی قوی باید مربوط بودن ارزش را بهبود بخشد و کارایی بازارهای مالی را افزایش دهد (و بالعکس). بازار سهام ایالات متحده یکی از کاراترین بازارهای جهان است و تقریباً ۲۹/۴۴ درصد از سرمایه بازار جهانی را تشکیل می‌دهد. در پایان سال ۲۰۲۰، سرمایه بازار جهانی حدود ۹۱،۹۳۱،۸۶۰ میلیون دلار آمریکا بود در حالی که سرمایه بورس نیویورک در حدود ۴۰،۷۱۹،۶۶۱ میلیون دلار آمریکا بود (نوما، ۲۰۲۰).

باین‌حال، کارایی و نقدینگی بالای آن در بازار ممکن است به عوامل دیگری به جز کیفیت گزارشگری مالی نسبت داده شود. اگرچه چندین کشور بازار پیشرفته در معرض کاهش کیفیت گزارشگری مالی هستند ولی ساختارهای قانونی قوی و نهادهای نظارتی به کاهش این اثرات نامطلوب کمک می‌کنند (الهلالی و همکاران، ۲۰۲۰؛ سماها و خلیف، ۲۰۱۶). از سوی دیگر، چندین نویسنده، کارایی و رشد بازارهای سهام آفریقا را مورد آزمایش قرار داده و دریافته‌اند که آنها نه در شکل ضعیف کارا هستند و نه در شکل نیمه‌قوی. دلیل آن هم عمدتاً به عدم تقارن اطلاعاتی و سطح پایین سواد، نسبت داده شده است (افگو، ۲۰۱۵). تغییرات در استانداردهای حسابداری را می‌توان مستقیماً در مسئله عدم تقارن اطلاعات ردیابی کرد. اوتا و همکاران (۲۰۱۷) تأیید کردند که پذیرش IFRS ممکن است در مقایسه با اقتصادهای پیشرفته و نوظهور در اقتصادهای در حال توسعه کم اثرتر باشد. اگرچه آنها پس از اجرای استانداردهای IFRS افزایشی در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در شرق آفریقا را کشف کردند اما همچنین



سود را بهبود بخشیده است اما ارزش دفتری را بهبود نمی‌بخشد.

۴ خلاصه و بحث نتایج

بسیاری از مطالعات قبلی در مورد تغییرات استانداردهای حسابداری و مربوط بودن ارزش به محیط گزارشگری مالی ایالات متحده می‌پردازند و کاهش مربوط بودن ارزش را در تمام دوره‌های قبل از دوره کمیته روش‌های حسابداری (۱۹۲۷-۱۹۳۸)، در دوران کمیته روش‌های حسابداری (۱۹۳۹-۱۹۵۹)، در دوران هیئت اصول حسابداری (۱۹۶۰-۱۹۷۳) و در دوران هیئت استانداردهای حسابداری مالی (۱۹۷۴-۱۹۹۳) کشف می‌کنند. این نشان دهنده تأثیر منفی استانداردهای قانونی مختلف بر کیفیت گزارشگری مالی در

شامل شرکت‌هایی بود که IFRS را در سال ۲۰۱۲ یا قبل از آن پذیرفته بودند. داده‌ها از گزارش‌های سالانه و پایگاه داده بورس اوراق بهادار نیجریه به دست آمده بودند. داده‌های پانل ثانویه شامل ارزش دفتری هر سهم، سود هر سهم و سایر متغیرهای کنترل بودند. آنها داده‌ها را با استفاده از تحلیل همبستگی و تحلیل رگرسیون (با متغیرهای حاصلضرب برداری) تحلیل کردند. آنها حاصلضرب برداری سود و متغیر ساختگی IFRS را معنادار یافتند. بنابراین آنها تأثیر متقابل سود با IFRS در پیش‌بینی قیمت‌های بازار سهام را استنباط کردند. آنها همچنین دریافتند که تعامل ارزش دفتری هر سهم با IFRS نیز غیرمعنادار است. بنابراین، آنها به این نتیجه رسیدند که IFRS مربوط بودن ارزش

دریافتند که مربوط بودن ارزش در شرق آفریقا نسبتاً کمتر از بازارهای توسعه یافته است.

مزایای بالقوه پذیرش IFRS برخلاف مدل‌های حسابداری قبلی بر فرض اطلاعات بیشتر برای فعالان بازار و افزایش قابلیت مقایسه حسابداری متکی است. با این وجود، شواهد تجربی متناقضی مبنی بر این که این مورد وجود دارد، موجود است. در میان مطالعات بررسی شده در مورد پذیرش IFRS و مربوط بودن ارزش، تعداد کمی از آنها در مورد بهبود کیفیت گزارشگری مالی ناشی از پذیرش IFRS تردیدهایی را مطرح کرده‌اند. عبدالخالق و همکاران (۱۹۹۹) هم از تحلیل رویدادی استفاده کردند و کاهشی را در مربوط بودن ارزش سود مبتنی بر IFRS برای سهام گروه ب چین کشف کرد.

باین حال، این نویسندگان محدودیت‌هایی را هم شناسایی کردند. در دسترس بودن و قابل تأیید بودن داده‌ها خود یک چالش بود، زیرا دولت چین تمایل دارد که دسترسی به داده‌های مالی را در شرکت‌های فهرست شده خود محدود کند که این هم، همانطور که اغلب در مورد اقتصادهای سوسیالیستی اتفاق می‌افتد، اغلب با پویایی بازار تداخل دارد. چندین اثر دیگر که از روش سنتی مقایسه توان توضیحی R2 استفاده کرده بودند، هم به نتایج متفاوتی رسیده‌اند. بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که نتایج مربوط به پذیرش IFRS و مربوط بودن ارزش ممکن است به روش مورد استفاده بستگی داشته باشد. افزایش مربوط بودن ارزش ارقام جریان نقدی شناسایی شده توسط خانقا (۲۰۱۱) پس از پذیرش IFRS ممکن است به دلیل مقاومت ویژه اقلام

جریان نقدی در برابر مدیریت سود باشد. در مطالعه گارانیئا و کورمیتسوا (۲۰۱۳)، هیچ افزایش معناداری در مربوط بودن ارزش پس از پذیرش IFRS پیدا نشد. این نویسندگان چنین نتیجه‌ای را به انطباق ساختگی نسبت دادند که در نتیجه تفاوت‌های سازمانی در بین محیط‌های توسعه RAS و IFRS ایجاد شد. این نشان می‌دهد که پذیرش استاندارد حسابداری به تنهایی ممکن است کافی نباشد و اجرای این استانداردها توسط قانونگذاران باید تسهیل شود. همچنین، انطباق با این استانداردها باید توسط سرمایه‌گذاران به خوبی درک شود تا آنها هم به شفافیت ارقام حسابداری حاصل اعتماد کنند. از سوی دیگر، چندین مطالعه رابطه مثبت و معناداری را بین پذیرش IFRS و مربوط بودن ارزش و همچنین سایر متغیرهای کیفیت گزارشگری مالی مانند کاهش مدیریت سود و شناسایی به‌موقع زیان پس از پذیرش IFRS شناسایی کرده‌اند (بارث و همکاران، ۲۰۰۸؛ چوآ و همکاران، ۲۰۱۲؛ هورتون و همکاران، ۲۰۱۳؛ ایتزیدیس، ۲۰۱۰؛ اوکافور و همکاران،

۲۰۱۶؛ اوتا و همکاران، ۲۰۱۷). هورتون و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه خود، افزایشی در مربوط بودن ارزش را چنانکه که توسط دقت پیش‌بینی تحلیلی هم نشان داده شد، کشف کردند. آنها بزرگی کاهش خطای پیش‌بینی را به تفاوت‌های خاص شرکتی در بین GAAP محلی و IFRS نسبت دادند نه یک عامل غیرقابل مشاهده همبسته. مطالعه اووکنی (۲۰۱۸) روند افزایشی را در مربوط بودن ارزش پس از پذیرش IFRS کشف کرد. باین حال، این مطالعه همچنین افزایش معناداری را در پیش‌بینی میانگین حق بیمه پس از یکسان کردن پس‌زمینه‌های درآمدها و ارزش‌های دفتری GAAP و IFRS نشان داد که بیانگر این است که بخش قابل توجهی از قیمت سهام را نمی‌توان تنها با اطلاعات صورت‌های مالی توضیح داد، بلکه آنها با عوامل دیگری که می‌توانند بر چشم‌انداز آینده شرکت‌ها اثر بگذارند قابل تبیین هستند. اطلاعات مربوط به عواملی مانند رابطه با جوامع میزبان، توسعه محصول جدید، چرخه عمر بازرگانی، سیاست‌های مخل جدید دولت و تغییرات تکنولوژیک



به‌ندرت در صورت‌های مالی افشا می‌شوند. باین‌وجود، این اطلاعات اثر معناداری را بر چشم‌انداز آینده شرکت‌ها دارند و بر عوامل تعیین‌کننده قیمت‌های سهام اثر می‌گذارند.

۵. نتیجه‌گیری

بازارهای سهام نقش مهمی را در توسعه هر اقتصادی ایفا می‌کنند، چرا که به تخصیص کارای سرمایه کمک می‌کنند. ارزش بازار شرکت‌های بورسی منعکس‌کننده اطلاعات مالی موجود در مورد آن شرکت‌ها است و مقدار قابل توجهی از این اطلاعات مالی را می‌توان در صورت‌های مالی یافت. شفافیت عملکرد و موقعیت گزارش شده یک شرکت وابسته به استانداردهای حسابداری است که بر تهیه صورت‌های مالی حاکم است. ارقام سود و ارزش دفتری خلاصه‌ای از اطلاعات مالی موجود در یک شرکت را ارائه می‌دهند. محتوای اطلاعاتی ارقام صورت‌های مالی اغلب تعیین‌کننده میزانی است که سرمایه‌گذاران این ارقام را در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری در نظر می‌گیرند. بنابراین، استانداردهای حسابداری می‌توانند بر مربوط بودن ارزش صورت‌های مالی تأثیر بگذارند.

بیشتر مطالعات قبلی در مورد تغییرات استانداردهای حسابداری هم به محیط گزارشگری مالی ایالات متحده پرداخته‌اند. اکثر این مطالعات بررسی شده کاهش مربوط بودن ارزش به صورت‌های مالی را در ایالات متحده کشف کرده‌اند. اگرچه انتظار می‌رفت که این امر باعث ایجاد ناکارامدی در بازار سهام ایالات متحده شود ولی عوامل دیگری مانند ساختارهای قانونی قوی و نهادهای نظارتی هم به

کاهش این اثر نامطلوب کمک می‌کنند. به همین دلیل، مربوط بودن ارزش در بازارهای در حال توسعه نسبتاً کمتر است. چندین مطالعه در مورد تغییرات مربوط بودن ارزش و به‌کارگیری IFRS که براساس برخی گزارش‌های مالی و مزایای قابل مقایسه ترویج شده است، بررسی شدند. اکثر این مطالعات بررسی شده دریافتند که پذیرش IFRS منجر به افزایش مربوط بودن ارزش در بازارهای مربوطه شده است. چندین مطالعه هم عدم بهبود مربوط بودن ارزش را پس از پذیرش IFRS گزارش کردند. باین‌حال، این نویسندگان این نتایج را به برخی ناهنجاری‌ها مانند دخالت دولت، انطباق ساختگی (در مورد پذیرش داوطلبانه)، عدم اجرای صحیح، تفاوت‌های خاص شرکت و سایر اطلاعات در محیط تجارت (تغییرات تجارت) نسبت می‌دهند که خارج از چهارچوب گزارشگری مالی هستند. همچنین، این تفاوت در روش‌شناسی در برخی ادبیات موجود منجر به نتایج متفاوتی شد.

۶. پیامدهای مربوط به سیاست‌گذاری

سرمایه‌گذاران آفریقایی که فاقد تخصص مالی اولیه در مورد مکانیسم بازار سهام هستند، اغلب با سرمایه‌گذاری‌های سهام مانند یک طرح پس‌انداز غیرفعال مشابه با املاک برخورد می‌کنند (اوت‌ه، ۲۰۰۹). دوره‌های طولانی عدم فعالیت سرمایه‌گذاران بر حجم و فراوانی معاملات سهام و رشد کلی بازارهای سهام تأثیر گذاشته است. بررسی مطالعات تجربی در مورد مربوط بودن ارزش و استانداردهای حسابداری نتایجی را نشان می‌دهد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت؛ اولاً،

همانطور که در مطالعات بررسی شده نشان داده شده است، اهمیت نسبتاً ثابت اطلاعات حسابداری در توضیح قیمت‌های بازار باید باعث شود که دولت‌ها، نهادهای نظارتی، سرمایه‌گذاران و فعالان بازار توجه بیشتری به ارقام حسابداری داشته باشند. صورت‌های مالی اطلاعات قابل توجه (اما نه کاملی) را برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران ارائه می‌کنند، چرا که آنها همبستگی زیادی با قیمت سهام دارند. بنابراین، سرمایه‌گذاران باید اغلب در تصمیمات سرمایه‌گذاری از صورت‌های مالی استفاده کنند.

مطالعات بررسی شده کاهش مربوط بودن ارزش در ایالات متحده را در روش‌های مختلف حسابداری نشان داد. این نتایج ممکن است برخی از کمبودها را در استانداردهای حسابداری ایالات متحده نشان دهد. بنابراین، ایالات متحده یا باید پذیرش استانداردهای IFRS را مد نظر قرار دهد و یا بر روی افزایش همگرایی استانداردهای محلی خود US GAAP با IFRS کار کند.

برخی از موانع اثربخشی افزایش مربوط بودن ارزش ناشی از پذیرش IFRS در این مطالعات تحت بررسی آشکار شد؛ عواملی مانند انطباق سطحی و عدم اجرای صحیح را می‌توان با توانمندسازی نهادهای نظارتی کاهش داد. همچنین، ایجاد سیاست‌هایی با هدف حمایت از سرمایه‌گذار می‌تواند به محافظت از سرمایه‌گذاران در برابر خطرات ناشی از تغییرات تجاری کمک کند. در دسترس بودن و توقف معاملات هم می‌تواند به کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش اعتماد سرمایه‌گذار و نقدینگی کلی بازار کمک کند. ■

بهزاد پرویزی: گروه حسابداری دانشگاه
آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران



- 1) Abdel-khalik, R., Weng, K. A., & Wu, A. (1999). The information environment of China's A and B shares: Can we make sense of the numbers? *The International Journal of Accounting*, 34 (4), 467–489. [https://doi.org/10.1016/S0020-7063\(99\)00039-4](https://doi.org/10.1016/S0020-7063(99)00039-4)
- 2) Achim, M. A., & Tiron-tudor, A. (2018). IFRS adoption and stock price delay: The case of Romania. *Annales Universitatis Apulensis Series Oeconomica*, 20 (2), 32–44. doi:10.29302/oconomica.2018.20.2.3.
- 3) Afego, P. N. (2015). Market efficiency in developing African stock markets: What do we know? *The Journal of Developing Areas*, 49 (1), 243–266. <https://doi.org/10.1353/jda.2015.0022>
- 4) Armstrong, C. S., Barth, M. E., Jagolinzer, A. D., & Riedl, E. J. (2010). Market reaction to the adoption of IFRS in Europe. *Accounting Review*, 85 (1), 31–61. <https://doi.org/10.2308/accr.2010.85.1.31>
- 5) Aveh, F. K., Awunyo-Vitor, D., & McMillan, D. (2017). Firm-specific determinants of stock prices in an emerging capital market: Evidence from Ghana stock exchange. *Cogent Economics & Finance*, 5 (1), 1339385. <https://doi.org/10.1080/23322039.2017.1339385>